



اسرائیل تحت حمایت کشورهای غربی همچنان به کشتار ادامه می دهد

دست های خون آلود مدعیان حقوق بشر

صفحه ۲ را بخوانید

چطور ذهنیت «والا» می تواند باعث شکوفایی استعداد شود؟

تسهیل و تسریع در صادرات گاز LPG پالایشگاه های کشور

اگر پس از آشویتس شعر نمی توان سرود پس از غزه دیگر چه نمی توان کرد؟

ایران، استاد مهندسی معکوس

تعليق عضویت ابن سینا در هیات علمی دانشگاه!

افزایش خسارات ناشی از صنعتی نشدن کشاورزی در استان گلستان

تربیون

سهم اقتصاد دیجیتال ایران از تولید ناخالص فقط ۷ درصد است

خدمات الکترونیکی در میان ایرانیان، بالغ بر ۷۰ درصد تراکنش های مالی ایران بر بستر اینترنت و از طریق درگاه های بانکی و ابزارهای پرداخت انجام می شود. در جریان پاندمی کووید، بزرگترین اپلیکیشن بومی و تعاملی ایران با عنوان «شبکه شاد» با بیش از ۳۴ میلیون نصب، میزان معلمان، دانش آموزان و والدین آن ها برای ادامه تحصیل بود که در مجموع، بالغ بر ۸۷ میلیارد پیام، ۲۱ میلیارد فایل و ده ها میلیون پخش زنده در این بستر تبادل شد. تنها اپلیکیشن چند منظوره اسنپ که از سرمایه گذاری اپراتور MTN آفریقای جنوبی و اپراتور ایرنسل برخوردار بوده و در حوزه هایی همچون حمل و نقل، جابجایی مسوولات، غذا، فروشگاه و خدمات پزشکی فعال است، با در اختیار داشتن ۶ هزار و پانصد کارمند و بالغ بر ۶۲ میلیون کاربر، سال قبل و تنها در حوزه تاکسی اینترنتی، رکورد جابجایی بیش از یک میلیارد مسافر را ثبت کرد.

در حوزه فروشگاه اینترنتی که با استقبال روزانه ایرانی ها مواجه است، پلتفرم بومی و چند منظوره «دیجی کالا» در بخش فروشگاه های خود و سهم دو درصدی از حجم تجارت الکترونیکی ایران، با بیش از ۳۰۸ هزار فروشنده فعال، سال قبل رکورد بیش از ۴۱ میلیون بازدید یکتای ماهانه را ثبت کرد. اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران با ورود به صد و چهل و یکمین سال تأسیس خود به عنوان قدیمی ترین و فراگیرترین نهاد خصوصی در ایران، بالغ بر ۶۵ هزار شرکت ایرانی در عرصه های مختلف صنعتی، تولیدی، تجاری، بازرگانی و خدماتی را نمایندگی می کند و همگام با آخرین تحولات فناوری در دنیا، امروز به عنوان حامی و پل گسترش و توسعه شرکت های حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات، استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان در داخل و خارج کشور است.

حسین سلاح ورزی - رئیس اتاق ایران



در حال حاضر سهم اقتصاد دیجیتال ایران از تولید ناخالص داخلی فقط ۷ درصد است و ظرفیت های زیادی برای گسترش همکاری ها و سرمایه گذاری ها داخلی و خارجی در این بخش فراهم است. در حوزه زیرساخت های ارتباطات و فناوری اطلاعات، ضریب نفوذ مشترکان اینترنت پهن باند در ایران، با بیش از ۱۱۶ میلیون مشترک به رقم ۱۳۸ درصد رسیده است. بالغ بر ۹۰ درصد این ارتباطات از طریق فناوری های پیشرفته نسل ۳ و ۴ تأمین می شود. همچنین توسعه ارتباطات مبتنی بر نسل ۵ موبایل به پشتوانه تجربه و شبکه عظیم موبایل در ایران، به سرعت در حال توسعه است. ضریب نفوذ مشترکان موبایل در ایران با بیش از ۱۴۸ میلیون مشترک به رقم ۱۷۶ درصد رسیده است. در حال حاضر سهم اقتصاد دیجیتال ایران از تولید ناخالص داخلی حدود ۷ درصد است که با توجه به فاصله با میانگین های قابل قبول بین المللی و هدف گذاری دولت برای توسعه شتابان این سهم، ظرفیت های زیادی برای گسترش همکاری ها و سرمایه گذاری ها داخلی و خارجی در این بخش فراهم است. در عرصه تجارت الکترونیکی، با ضریب نفوذ ۷۱ درصدی شبکه های اجتماعی و پیام رسانی ها، ایران دارای بیش از ۴۴ میلیون کاربر فعال در شبکه اینستاگرام وجود دارد که از این تعداد بیش از ۴۱۵ هزار کسب و کار کوچک، متوسط و مشاغل خانگی در حوزه هایی نظیر فروش کالا، آموزش، برنامه نویسی، کامپیوتر، تبلیغات و بازاریابی اینترنتی در این شبکه اجتماعی فعال هستند. با توجه به پیشرفت سریع زیرساخت فناوری های مالی و بانکی در ایران و هم زمان گسترش فرهنگ کاربری انواع

صفریک

مرگ بر تخصص!

غلامرضا مصدق - تحلیلگر سیاسی



تخصص ساخت و ساز بسپارند بنابراین آن مقامات عزیزی که بی محابا مناصب بزرگ را به آدم های کوچک بی تخصص و بی تجربه واگذار می کنند، وقتی پای جان و منافع مادی شخصی خودشان در میان باشد، دیگر مهم نیست، خلبانی که سوار هواپیمایش میشوند، جراحی که آنها را جراحی می کند و مهندسی خانه شخصی شان را می سازد، عرق خور، تارک الصلوة، سگ باز، ریش دوتیغه، غریبه، غیر خودی و حتی خارجی کافر باشند. این که چرامسئولان محترم به وقت واگذاری مناصب بزرگی که سرنوشت و زندگی ده ها میلیون نفر را رقم می زنند توجهی به تخصص و تجربه منصوبان خود ندارند، اما وقتی پای منافع شخصی در میان باشد، بی توجه به خصوصیات اخلاقی، وابستگی های سیاسی و فامیلی افراد، در مورد توانایی حرفه ای و تجربی آنها موم را از ماست بیرون می کشند. هیچ توضیح منطقی برای توجیه این استاندارد دو گانه، الا همان توجیه همیشگی برای منطقی جلوه دادن رویه های عجیب و غریب وجود ندارد و آن اینکه ما «خاص» هستیم، پس چون خاص هستیم، رویه های ما با رویه های معمول ملل دیگر قابل قیاس و ارزیابی نیستند، حتی اگر رویه های ما بسیار غیر معمول، عجیب و در تضاد کامل با منافع ملی باشند.

فراوان در اخبار می شنویم، فلان مجری تلویزیون بدون دارا بودن کمترین سابقه کاری مرتبط به عضویت هیئت مدیره شرکت ملی نفتکش با میلیاردها دلار سرمایه درآمده، فلان آقا بدون اینکه تجربه مدیریت یک اداره در شهرستانی دور افتاده را داشته باشد به منصب وزارت رسیده، دیگری بدون هیچ روزه صنعتی و تولیدی به مدیر عاملی بزرگترین هلدینگ صنعتی کشور منصوب شده، کسی وزیر امور خارجه می شود که تسلطش بر زبان انگلیسی در حد یک رهنمای معمولی تور مسافرتی هم نیست. خبر بد این است که، کثرت این دست اخبار چنان است که در عین تعجب برانگیز بودن، طوری برای ما عادی شدند که دیگر هیچ تعجبی را بر نمی انگیزند، اما خبر خوب این است که خوشبختانه در همه جا این رویه خانمانسوز برقرار نیست. مثلاً، آن مقامات مسئول عزیزی که تصمیمگیر چنین انتصابات عجیب و غریبی هستند، هرگز بر هواپیمایی که خلبان آن اند مهارت خلبانی نباشد سوار نمی شوند. محال است حتی برای یک جراحی ساده خود را به تیغ جراحی بسپارند که از دارا بودن تخصص حداکثری او مطمئن نباشند، امکان ندارد ساخت ساختمان مسکونی خود را به هر کسی بدون اطمینان بالا به



اگر پس از آشویتس شعر نمی توان سرود

پس از غزه دیگر چه نمی توان کرد؟

اسمعیل خلیلی

بشریت به کدام سو می رود؟ به سوی گسترش الگوی حکومت توتالیتر سلطه جو، تجدید حیات دولت ملت با اولویت ملت، حرکت به سوی جوامعی در ساختاری بجز دولت ملت، کدامیک؟ پرسشی برای این عصر و اصحاب آن، در هنگامه نابودی مردمان غزه در بورش پیشاقابیلی بربریت مدرن و به بهانه هفتاد و هشتمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد (۲۴ اکتبر ۱۹۴۵) دولت، یک سازمان اجتماعی کنترل جمعی با تمرکز قدرت طی سازماندهی اجتماعی دیوانی (بوروکراسی) است. نفس و فعل دیوان، یک امر تکنیکی است و تداوم عقلانیت تکنیکی ذهن انسان. دولت ملت مدرن با تقدم آن سازمان اجتماعی، یعنی با تقدم دولت بر ملت در حیات سیاسی، از آغاز در فرآیندهای مبتنی بر ایدئولوژی ایجاد شد. ایدئولوژی نیز فراخوانی عنصری از فرهنگ است که به قصد کسب قدرت «گزینش» می شوند و به مدد آنها امکانی برای بسیج منابع و اتحاد یک جمع از انسان ها پدید می آید. دولت ملت مدرن از آغاز بر ایدئولوژی بنا شد، مبتنی بر صورت بندی هایی از فرهنگ (اسطوره) که اساساً و عامدانه به قصد ایجاد دولت ملت گزینش می شدند. این ایدئولوژی ها پس از ایجاد اتحاد میان برخی از ساکنان یک حوزه فرهنگی، با سرکوب و حتا نابودی دیگر ساکنان آن حوزه فرهنگی و بخصوص با سرکوب و نابودی دیگر حوزه ها، در یک گستره جغرافیایی (مرز) یک دولت ملت را به وجود آوردند و از همان آغاز کوشیدند دیگر صورت های حیات جمعی را نابود کنند و کردند؛ قبیله ها نابود شدند، قوم ها نابود شدند، طایفه ها نابود شدند و ... و همه «صورت حیات جمعی» ذیل دولت قرار گرفتند. اما روح قبیله یعنی همان خواست تمرکز قدرت در دست صاحبان قدرت، باقی ماند و در قبایل ایدئولوژیک، یعنی قبایل مدرن، بازتولید شد. قبایل مدرن ظاهراً بر اساس اصول و عقلانیت پراگماتیک که متضمن منافع مردمان هم سنخ یا هم منفعت باشد، ایجاد می شوند؛ مثلاً سازمانهای مدنی، سازمانهای صنفی و بخصوص احزاب. اما در قفا و در ورای این ظاهر، عملاً از حیث عینی خود دولت و بوروکراسی و از حیث ذهنی همان ایدئولوژی بیش از هر چیز در شکل دهی سازمان اجتماعی مؤثراند. لذا همه انسان هایی که به عنوان تمدن تعریف می شوند، در همه این چهار سده (از میانه سده هفدهم میلادی، ۱۶۴۸ م، که با پیمان وستفالی شناخته می شود، تا کنون، در تکاپوی ساختن ایدئولوژی هایی برای

ایجاد دولت یا برای تسخیر آن بوده و هستند. بنیان تاریخی ستمی که بر فلسطینیان می رود، یکی از ایدئولوژی های صهیونیسم و ایجاد دولت یهود بر آن اساس است، که خود آن هم اصولاً در حین و در ذیل این قاعده تاریخ معاصر ممکن شده است. یعنی در معرفت این عصر که همه مردمان آن در صدد ساختن ایدئولوژی به قصد ایجاد یا تسخیر دولت هستند. حال، وقتی به برنامه نابودی غزه و مردمان آن (ونه واکنش اسرائیل به حمله حماس؛ زیرا به نظر می رسد که اساساً این یک برنامه از پیش طراحی شده بوده است) می نگریم، باید پرسیم آیا این فعل از سنخ همان افعالی است که در تمامی این چهار سده جریان داشته و این هم یک مرحله از ایجاد یا تحکیم یک دولت، به بهای نابودی بخشی از بشریت است؟ یا ما شاهد پیدایش امری دیگر در تاریخ انسان هستیم؟ این ساختار جامع (دولت ملت با تقدم عملی دولت) که همه بشریت را ذیل خود تعریف کرده، معایر کلیت سرمایه داری نوین هم بود و سرمایه نیز به عوض این که سرنوشت این ساختار را تعیین کند، در بسی موارد تابعی از توابع دولت قرار گرفت. از رقابت میان دولت های استعمارگر سده هفدهم تا انحصاری شدن سرمایه و تا همین امروز همواره شاهد بوده ایم که گردش سرمایه در جهان، غالباً تابع منافع دولت ها و رقابت میان آنها بوده است؛ به دیگر تعبیر، دولت ها تابع بل که بالعکس، در بسی مواقع، سرمایه تابع رقابت دولت ها و تابع ایدئولوژی هایی بوده است که می خواهند دولتی را ایجاد یا تسخیر کنند. اکنون باید بیفزایم که برخی از جریان های فکری متوجه شده و بر آن بوده اند که این ساختار، موجب جدایی خوف ناک و خونین انسان هاست و باید به فکر ساختاری دیگر به جای دولت بود. ایده انترناسیونالیسم نزد سوسیالیست ها و کمونیست ها، یا تا همین امروز همه جریان های ضد دولت مانند آنارشیست ها، کاسموپولیتنیسم و طرفداران انواع اومانیزم، حتا مثلاً «دین بشریت» نزد آگوست کنت را می توان دال بر چنین جریان هایی دانست. روشن است که کمونیست های عمدتاً غیر اروپایی، به رغم ایده انترناسیونال، عملاً چنان دولت را تقدس بخشیده و آن را فریه ساختند که از ایدئولوژی های ناسیونالیست نیز گوی سبقت ربودند. بر ذکر تجربه آنها باید افزود در همه این دوران، دو جریان جامعه کلی در پی تسخیر دولت بوده اند: جریان نخست آن است که تا کنون بیشتر متعارف، واجد هژمونی،

موجد دولت تابع بازار و در محدوده اقتدار یک دولت، موجب قواعد بازار بوده است. در مقابل الگویی چون رایش سوم نمود جریانهای از تسخیر دولت (دیوان) است که با تعلیق قواعد بازار، آن را تابع دولت، و دیوان را در خدمت تمامیت یک ایدئولوژی گذاشته که مستمسک سلطه الیگارکها است. نمود دیگر این طرز کارکرد ایدئولوژی و دولت نیز، توتالیترهای معروف و در نیم سده اخیر دولت هایی بنیادگرا بوده اند که همه آنها در مرحله تسلط بر دیوان، یک الیگارشی را نمایندگی کرده اند. لذا گرچه هر دو جریان یک فعل واحد (تسخیر دولت) را در پیش گرفتند اما متفاوت بوده اند. جریان نخست را باید محازی اسطوره لوباتان و جریان دوم را تداوم اسطوره بهیموت دانست. دولت صهیونیستی نیز دولتی است که هرچند مانند برخی دیگر از نمودهای جریان دوم، گاهی نشانی از بازتولید لوباتان و خرد عمل گرا باز ساخته اما نوعاً باید با اسطوره بهیموت و بازتولیدکننده آن شناخته شود. جهانی شدن انسان سیاسی چه با امپراتوری باستان ایران و متعاقباً امپراتوری رم چه با عصر استعمار و هسان شدن جوامع در ساختار دولت ملت و متعاقباً با سرمایه داری جهانی، هرگز نتوانسته موجب بشریتی باشد که نزاع ایدئولوژی و هویت را رفع کند. در هر کدام از این دو نوع جهانی شدن نیز، یکی از دعوای اصلی جهان در همه سده ها بوده، اخیراً، دعوی بر سر بخشی از خاورمیانه بوده که فلسطین کمابیش در آن قرار دارد. از جمله، جنگهای صلیبی نیز تداوم و صورت نوین جنگهای ایران و رم بودند که این منطقه تقریباً مرز اصلی و خونین نبردشان بود. در تمام این مدت حتا در فجیع ترین فجایع هم هیچگاه بشریت از تحقق تام برخوردار نبوده، از ۷۸ سال قبل تا کنون سازمان ملل متحد هم عملاً هیچگاه شامل ملل نبوده؛ بل که شامل دولت هایی بوده که هر یک بر اساس یک اسطوره ایجاد شده اند و بس. اما امروز که غزه حاوی جدید و بدیع ترین مرحله وداع انسان ها با انسانیت و کشتار جمعی آنهاست، تنها نمود اتحاد ملل در حالی به قطع نامه مجمع عمومی ملل متحد منحصر و محدود شده که دولت های حامی قطع نامه نیز از اتحاد و اراده عملی برای ممانعت از این کشتار جمعی برخوردار نیستند. نکته مهم در همین جاست: از جمله مخالفان قطع نامه، دو سنت اصلی لیبرال (انگلستان

و ایالات متحده) اند؛ نزد موافقان قطع نامه می توان انواع بنیادگرایان را نیز ملاحظه کرد و جالبتر دولت هایی هستند که با رأی ممتنع به این قطع نامه پاسخ داده اند. پس با این آرایش دولت ها در برابر این کشتار جمعی تاریخی نیز آن پرسش عیان می شود: آیا جهان در حال وداع با دولت لوباتانی و غلبه یا گسترش دولت بهیموتی است؟ البته دو سنخ دیگر نیز کماکان ممکن اند: یکی این که ویرانگری و کشتار جمعی مردمان غزه آخرین غریو بهیموت باشد - که البته سالهاست در روسیه، بخش هایی از اروپا، امریکای لاتین، آفریقا و خاورمیانه، بالخصوص خود اسرائیل شنیده می شود؛ یعنی جهان بکوشد که به عصر لوباتان بازگردد و این کشتار و حذف از آخرین نمودهای دولت بهیموتی باشد. دیگر این که جهان اصولاً عصر ایدئولوژی و دولت را پشت سر نهد و روی به خردی آرد که امر اجتماعی را در غیاب دولت و یا در جامعه غیر دولت مرکز ممکن کند. امروز درست در همان جایی که میدان یکی از مهم ترین دعوای جهان است، همه جلوه های بهیموت با آنچه که طی این بربریت مدرن رخ می دهد، نمایان شده اند؛ همه در تقلائی نابودی «دیگری» های اسطوره ای خود هستند و گویی این نفس انسانیت است که با خود وداع می کند. ده سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، تئودور آدرنو در پایان «نقد فرهنگ و جامعه» (مقاله آغازین که ابتدا در سال ۱۹۴۹ نوشته شده) در (Prisms (Prismen) مجموعه مقالات منتشر شده در ۱۹۵۵؛ در عبارتی بسیار مشهور گفته بود: «نقد فرهنگی امروز خود را با وضعیت نهایی دیالکتیک فرهنگ و بربریت مواجه می بیند. شعر گفتن بعد از آشویتس وحشیانه است. و این حتا دانشی را که چرا امروز نوشتن شعر غیرممکن شده، بر هم می زند. شیء شدن مطلق، که پیشرفت فکری را به عنوان یکی از عناصر خود فرض می کرد، اکنون در حال آماده شدن برای جذب کامل ذهن است. هوش انتقادی تا زمانی که خود را به تفکر از خودراضی محدود می کند، نمی تواند با این چالش برابری کند. پس از آشویتس سرودن شعر ناممکن و نشان بربریت است.» حال باید پرسیم در این کشتار جمعی غزه، ما شاهد چه جهانی، چه نوع انسانی و کدام ذهن خواهیم بود؟

در سایه همکاری‌های نزدیک تهران و مسکو

ایران، استاد مهندسی معکوس



کی‌یرون مونکر

ایران به کشوری متخصص در مهندسی معکوس تبدیل شده و به سابقه طولانی‌اش در تولید موشک‌های کروز، سلاح‌های ضدتانک و قطعات هواپیماهای جنگی می‌بالد؛ تسلیحاتی که بر پایه طرح‌هایی از آمریکا، روسیه و چین انجام می‌شود. به گفته مقام‌های رسمی آمریکایی، مهندسان ایرانی اکنون فرصت‌های بسیار بزرگتری برای محک زدن مهارت‌های خود در اختیار دارند چرا که روسیه بطور منظم سلاح‌های غنیمتی غربی را که از میادین نبرد اوکراین بدست می‌آورد، به ایران می‌فرستد که روز به روز به متحد نزدیکتر روسیه تبدیل می‌شود. مایکل نایتز Michael Knights استاد امور نظامی ایران در اندیشکده آمریکایی "موسسه واشنگتن" می‌گوید: "ایرانی‌ها استاد مهندسی معکوس هستند. این کار را دیرزمانی است که انجام می‌دهند و بسیار هم خوب انجام می‌دهند." دکتر نایتز، تردید اندکی دارد که مهندسان ایرانی اکنون سرگرم کار روی غنایم جنگی اوکراین هستند. وی می‌گوید: "هر زمان که آنها با فن‌آوری نظامی خارجی در تماس قرار گیرند، آن را مهندسی معکوس می‌کنند. این چیزی نیست که گاه و بیگاه انجام دهند. این کاری است که همیشه انجام می‌دهند."

این تخصص تاحدودی محصول شرایط تاریخی ایران است. پیش از سقوط شاه و انقلاب ۱۹۷۹، ایران یک متحد نزدیک آمریکا و یک واردکننده برجسته سخت‌افزارهای نظامی آن زمان بود. تهران در دهه ۱۹۶۰، جت‌های جنگنده فانتوم را خریداری کرد و سپس تنها کشور خارجی بود که تاامکات اف ۱۴ را در اختیار داشت. اما بعد از انقلاب، دسترسی‌اش به آمریکا به عنوان تامین‌کننده اصلی تجهیزات نظامی‌اش قطع شد. ایران ذخیره‌ای از سلاح‌های سالخورده آمریکایی را در اختیار داشت اما نمی‌توانست آنها را جایگزین کند یا با قطعات تازه آنها را تعمیر کند، پس دست بکار ساختن نسخه‌های بومی آن قطعات شد.

استیون وارد Steven Ward یک تحلیلگر پیشین سی‌ای‌ای و مولف کتاب "نامیرا، تاریخچه نظامی ایران"، می‌گوید که نتیجه این کار، در طول جنگ ایران - عراق، جهان را شوکه کرد. وی می‌گوید: "بیشتر ناظران فکر می‌کردند که تاامکات‌هایی که هنوز سلاح به روزی بودند، در نبود پشتیبانی آمریکا، به سرعت زمینگیر خواهند شد. اما ایران برخی‌شان را همچنان آماده پرواز نگه داشت و نیروی هوایی عراق همیشه از روبرویی با خلبان‌های ماهرتر ایران در هراس بود."

نکته غریب این‌که احتمالاً هنوز هم ایران ناوگانی از هواپیماهای اف ۱۴ را آماده عملیات دارد و مرتباً قطعات فرسوده آنها را با قطعاتی که در داخل ساخته شده است، تعویض می‌کند. تحلیلگران بر این باورند که این جت‌ها تقریباً بطور کامل بازسازی شده‌اند و تنها اندکی از قطعات اولیه‌شان باقی مانده است.

ایران همیشه سلاح‌های آمریکایی را ترجیح داده و اغلب از ذخیره وارداتی خود الهام می‌گیرد. از روی موشک‌های ضدتانک تاو BGM-۷۱، نسخه داخلی طوفان ساخته شد که به یکی از سلاح‌های اصلی نیروهای مسلح ایران و نیز یک مدل صادراتی پرسود تبدیل شده است. دکتر نایتز می‌گوید: «موشک تاو یک هدیه مرگبار دیگر هم داشت که خلاقیت مهندسان ایرانی را به نمایش گذاشت. کلاهک این موشک به عنوان الگویی برای ساخت یک مین بکار گرفته شد که در طول دوران یورش آمریکا به عراق، به عنوان یک بمب کنارجاده‌ای به کار گرفته می‌شد و بیش از صد نظامی آمریکایی را کشت.»

دکتر احمد هاشم، استاد مطالعات جنگ در دانشگاه دیکن استرالیا نیز می‌گوید که برنامه مهندسی معکوس ایران، از یک مجتمع صنایع نظامی برخوردار است که پس از اسرائیل و ترکیه در مقام سوم قرار می‌گیرد و "رابطه مستقیمی" با دانشگاه‌های سطح اول ایران دارد. وی می‌گوید: "ایران یک کادر علمی بزرگ را پرورش داده و تولیدات صنعتی‌اش از مجموع جهان عرب بیشتر

است." وی گوشزد می‌کند که همین ظرفیت آنها را در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای قرار داده است.

تحلیلگران می‌گویند که محدودیت‌هایی برای برنامه (تولیدات نظامی) ایران وجود دارد. تهران برای مهندسی معکوس یک موتور جت چالش داشته و به همین دلیل است که خواهان واردات جت‌های روسی است. به گفته دکتر نایتز، شاید ایران برای دستیابی به پیچیدگی‌هایی که با بیشتر تسلیحات پیشرفته غربی برابری کند، چالش داشته باشد اما در بسیاری موارد، نیازی به این کار نیست. وی می‌گوید: "بسیاری از تجهیزات نظامی غربی، همچون موشک‌های کروز تام‌هاوک، بارها مهندسی شده‌اند." وی یادآور می‌شود که ایران این تخصص را دارد که کپی‌برداری‌های کم‌هزینه‌ای را انجام دهد که کارایی مشابهی دارند و اغلب از مواد ارزان‌تر فیبر کربن به جای فلزات گران‌تر استفاده می‌کند.

دکتر کنث کاتزمن Kenneth Katzman، یک مامور پیشین سی‌ای‌ای که اکنون یک متخصص امور ایران در اندیشکده مرکز سوفان Soufan Center است، نیز می‌گوید که نگرانی از توانایی کپی‌برداری ایران از نوآوری‌های غربی، احتمالاً یکی از موانع کمک‌های غربی به اوکراین است. وی می‌گوید: "این یکی از دلایلی است که آمریکا برخی از سامانه‌ها را به اوکراین نمی‌دهد چرا که این خطر وجود دارد که به غنیمت رفته است، مهندسی معکوس شوند و دانش توانمندی‌های آمریکا فاش شود." وی تأکید می‌کند که جت‌های جنگنده و موشک‌های دوربرد، زمینه‌های حساسی هستند که آمریکا تاکنون درخواست اوکراین برای دریافت آنها را رد کرده است. وی می‌گوید: "هواپیماهای جنگنده بسیار پیچیده هستند و این مسلما یک نگرانی است و نیز موشک‌های ATACMS از توپخانه دوربرد... دقت تسلیحات آمریکایی بسیار خوب است و آمریکا نمی‌خواهد این امتیاز را با به غنیمت رفتن سلاح‌هایش از دست بدهد." وی می‌گوید که آمریکا همچنین پهپادهای

پیشرفته‌ای همچون ریبهرها Reapers و پریدیتورها Predators را واگذار نکرده است هرچند ماه گذشته یک فروند از ریبهرها بر فراز دریای سیاه توسط روسیه به زیر کشیده شد. دکتر نایتز بر این باور است که فن‌آوری ارتباطات پیشرفته و سلاح‌های ضدتانک هم احتمالاً در زمره اولویت‌های ایران باشند.

از دست دادن یاولینز Javelins، احتمالاً ترسناک‌ترین رخداد است. ایران همچنین احتمالاً به دنبال راکت‌های هیمارس Himars و دیگر موشک‌های دوربرد است اما روسیه باید به یک پیروزی تهاجمی بزرگ دست یابد تا بتواند سامانه‌های دفاعی غربی را که در خطوط عقبتر مستقرند بدست آورد.

دکتر نایتز می‌گوید بعید است که ایران به تانک‌های غربی چندان علاقه‌ای داشته باشد چرا که ایران در گذشته حدود نه فروند تانک آبراهام را که عموماً به عنوان پیشرفته‌ترین تانک غربی شناخته می‌شود، از افغانستان به غنیمت گرفته است و آنها را تا سطوح مولکولی‌شان تفکیک می‌کند.

شراکت در حال رشد میان روسیه و ایران، احتمالاً یک دردسر رو به افزایش برای غرب است چرا که این دو کشور، منابع خود را روی هم ریخته و دانش خود را به اشتراک می‌گذارند و از پشتیبانی یک شبکه گسترش یافته که شامل کره شمالی و چین هم می‌شود، برخوردارند.

تحلیلگران بر این باورند که مشارکت میان ایران و روسیه اکنون و در لحظه نیاز مسکو، برابرتر است و ایران به خاطر کمک‌ش در اوکراین و از جمله ارسال پهپادهای انتحاری، احتمالاً جبران خوشایندی - با دریافت جنگنده‌ها و نیز حمایت فنی - دریافت می‌کند.

دکتر کاتزمن نیز در این باره می‌گوید: «تخصص مهندسی معکوس ایران، از منازعات مستمری بهره برده که در آنها درگیر بوده است. تهران مستقیماً در جنگ اوکراین درگیر نیست اما این جنگ، می‌تواند فرصت یگانه‌ای در اختیار تهران قرار دهد تا اسرار نظامی غربی را بریابد.»

ای نیوز - دیپلماسی ایرانی

چطور ذهنیت «والا» می تواند باعث شکوفایی استعداد شود؟

ترجمه: علی نصرآبادی-صادق وحدتی نیا

افق اقتصاد- نیازمند ساخت و به جا گذاشتن میراث چیست؟ «کوردی»، هنرمند هیپ هاپ تعریف می کند که چطور از یک بچه دبیرستانی میکستیپ ساز به یک ستاره موسیقی و نامزد جایزه گرمی تبدیل شده که ذهنیت «والا» به او در تحقق آرزوهایش کمک می کند. این متن سخنرانی او در سال ۲۰۲۲ در پلتفرم تداست.

کوردی | خواننده هیپ هاپ



یک رپر چه حرفی می تواند برای گفتن داشته باشد؟!

اسم من «کوردی» است. ۲۴ سال دارم. متولد رالی از کارولینای شمالی هست اما بیشتر در سوتلند مریلند بزرگ شده ام که مرا تبدیل کرده به شخصی که الان هستم؛ یک خواننده سبک هیپ-هاپ. دقیق تر بگویم، یک خواننده هیپ-هاپ نامزد جایزه گرمی هستم. به اصطلاح یک «سلبریتی درجه دوی جهانی که توسط منتقدین مورد تحسین قرار گرفته»، ولی راستش، بیشتر می خورد درجه منفی دو باشم ولی فرض کنید که فرد تقریباً مهمی هستم!

شاید پیش خود فکر می کنید یک رپر ۲۴ ساله چه حرفی می تواند برای گفتن در یک سخنرانی تدا داشته باشد؟ ولی آمد اینجا تا در مورد مانتر و سبک زندگی ام که مرا به اینجا رسانده و امیدوارم که بتواند مرا در مسیر جلو تر ببرد، صحبت کنم چون تازه دارم شروع می کنم و آن «ذهنیت والا» است. می خواهم به شما در مورد خالق اصلی ذهنیت والا بگویم و آن شخص مادرم هست و خودش هم حتی خبردار نیست. مادرم وقتی ۱۶ ساله بود، مرا به دنیا آورد. او یک مادر مجرد بود که زندگی راسپی می کرد و با این حال، از دیدگاهی بی طرف می خواهم بگویم که در مادری خیلی خوب بوده. ما در محله های خیلی بدی زندگی می کردیم. من حدود پنج بار مدرسه ابتدایی ام را عوض کردم. یادم هست که زمانی ماشینش دو بار در یک هفته به سرقت رفت او بر شرایط، مشکلات، محیطش و منفی نگری غلبه کرد. من شاهد بهتر شدن تدریجی شرایط زندگی مان با گذر سال ها بودم.

«ذهنیت والا» یک فلسفه است

البته «ذهنیت والا» چیزی نبود که او مستقیماً به من یاد دهد یا عمداً به من القا کند بلکه چیزی بود که صرفاً با مشاهده یاد گرفتم. ذهنیت والا یک فلسفه است. طرز تفکری است که باید در پندار و برنامه روزانه لحاظ کنید. ذهنیت والا به شدت به شما کمک می کند به خصوص زمانی که اوضاع طبق برنامه پیش نمی رود. این اوقات سخت که از آن سخن می گویم و یا به قولی «محکن زندگی» هستند. در واقع چیزهایی هستند که از ما مرد وزن می سازند. اینکه چطور با این اوقات سخت یا محکن زندگی روبرو می شویم، آن چیزی است که سرنوشت انسان را رقم می زند که مرا سراغ قدم اول ذهنیت والا می آورد و آن همیشه مثبت اندیش ماندن است. صرف نظر از اینکه مردم یا زندگی با توجه می کنند.

حال، کمی از گذشته خودم به شما می گویم. به طرز خنده داری در دوران راهنمایی و دبیرستان، من بیشترین رای را به عنوان شخصی با بیشترین احتمال معروف شدن، آوردم. هدف من فارغ التحصیل شدن از دبیرستان و سریع معروف شدن بود ولی چنین اتفاقی نیفتاد. پس به دانشگاه رفتم و به محض اینکه به دانشگاه رفتم، زندگی بد جور برایم سخت شد. در چند هفته اول مدرسه، یکی از بهترین دوستانم که او

را «برادرم» صدا می کردم، به ۲۴ سال زندان محکوم شده بود. خودم نیز به جرم رانندگی با گواهینامه‌ی موقتاً باطل و موارد دیگر بازداشت شدم مثل داشتن نیم کیلو ماریجوانا در ماشین قبل از قانونی شدنش. مادر بزرگم هم فوت کرده بود. این را نگویم که یک دانشجوی بد با نمرات افتضاح و یک جوان بی پول بودم. برایم سوال است که چرا نمراتم آنقدر بد بود؟! ولی بدتر از همه‌ی این‌ها، چیزی که باعث شد کارم به استخوانم برسد، این بود که یک میکس تیپ که کل تابستان روی آن کرده بودم، بعد از انتشار تنها ۲۰۰ بار دانلود شده بود. این در حالیکه دو میکستیپ قبلی من ۲۰۰۰۰ بار دانلود داشتند و همین قدر می گویم که از این پسرقت خوشحال نبودم. مجدداً این مسئله باعث شد تقریباً تا مرز کناره گیری و جنون پیش بروم ولی ذهنیت والا باعث شد با خودم بگویم: «پسر، این بدشانسی‌ها فقط باعث می شوند که داستان پیروزی من خیلی باحال تر شود.» من ازش برای شعله ورتر کردن آتش به نوعی برای افزایش انگیزه ام استفاده کردم. باعث شد فکر کنم که زندگی فقط یک کتاب است. هر فصل قرار نیست بی نقص باشد بلکه مهم پایان آن است.

نسبت به آرزوهای آگاه باش!

حال سراغ قدم دوم ذهنیت والا می روم: همیشه نسبت به آرزوهای آگاه باش. دقیقاً بدان که چه می خواهی. در سال ۲۰۱۸ من یک مجموعه تصویر از رویاهایم ساختم. وبا افتخار می گویم که با ذهنیت والا توانستم ظرف یک سال تقریباً به تمام چیزهایی که اینجا هست، برسم. پس شما را به نوشتن اهداف تان تشویق می کنم. همین که روزتان را با خواندن بلند اهداف و رویاهایتان شروع کنید به شما انرژی مثبت زیادی تزریق می کند. این انرژی می تواند به چیزی تغییر ماهیت دهد که به آن «ایمان» می گویم. ایمان به توانایی خود، ایمان به خودت، ایمان به قدرتی والا تر می تواند تو را به جایی برساند که حتی فکرش را هم نمی توانستی بکنی. دقیقاً بدان که چه می خواهی. چطور می توانی «والا» باشی وقتی ندانی «والا» برای توبه چه معنی است؟

هنر نظم زندگی شما را متحول می کند!

و به منظور انجام دادن همه‌ی این کارها سراغ قدم سوم ذهنیت والا می روم: نظم. در کودکی نظم به روشی چندان پیش یافتاده به من یاد داده می شد که همیشه سعی می کردم از آن دوری کنم. ولی هر گاه انگیزه یابین باشد، نظم نقش پیدا می کند. تمام افرادی که در زندگی شان کار برجسته ای انجام داده اند، یک وجه مشترک دارند و آن «نظم» است. یاد گرفتن هنر نظم تماماً زندگی شما را متحول می کند. من خودم از نزدیک با بررسی رفتار یک دوست شاهد این قضیه بودم. این دوست من متوجه شد که هر بار مواد الکل مصرف نمی کند، اتفاق خوبی رخ می دهد! البته او حس می کرد که این یک ندای الهی از آسمان بود تا کارهای زشت و گناهانش را ترک کند.

آماده سازی محیط برای موفقیت

حالا کسی می تواند به من بگوید که سه گناه اصلی یک دانشجوی ۱۹ ساله چیست؟ سسک، الکل و مواد. و بعد از شش ماه اول ترک گناهانش، شاهد تحول کامل زندگی او بودم. او باز دوباره فکر کرد که این شاید یک نشانه از جانب خداست که نمی خواهد من مواد مصرف کنم، الکل بنوشم یا سسک داشته باشم. ولی نه قضیه چنین نبود. صرفاً داشت بدون اینکه خود بداند، نظم را یاد می گرفت باید اعتراف کنم. چون نمی خواستم این سخنرانی تماماً در مورد خودم باشد، دروغ گفتم که این شخص دوستم بوده. راستش خودم بودم! خوب، یک کد تقلب برای تضمین منظم ماندن خود در راستای رسیدن به چیزی که برای آن تلاش می کنید، آماده سازی محیط برای موفقیت است. عادات شما به محل زندگی شما بستگی دارند و مهمترین عامل محلی زندگی شما افراد درون زندگی تان هستند که مرا سراغ قدم خیلی مهمی از ذهنیت والا می آورد.

خارج کردن افراد مردد یا افراد منفی باف از زندگی!

دقیق تر بگویم، قدم چهارم: فوراً تمام افراد منفی را از زندگی خود خارج کنید. هر کس که تا حدودی مردد یا منفی باف هست را خارج کنید. اگر دارید در مورد آرزوها و اهداف تان صحبت می کنید و آن ها حرف های طعنه آمیزی می زنند... شوت شان کنید! کسی که همیشه آیه‌ی یاس بخواند؟ آن ها را از زندگی تان پرت کنید بیرون! نگذارید منفی نگری شخص دیگری امید شما را از بین ببرد زیرا می تواند موقتاً مانع از رسیدن شما به حق تان بشود. شما محصول آدم های اطراف خود [هم] هستید. بیاید مطمئن شویم که آدم های اطراف مان افراد والا و مثبت نگری هستند. این بدین معنی نیست که همیشه همه چیز وفق مرادم پیش می رود.

«از ما برنامه ریزی، از خدا خنده»

بعد از انتشار آلبوم دوم ام و انتقادات ضد و نقیضی که از هنرم دریافت کردم شرایط خوبی نداشتم و انگیزه ام را از دست دادم. شروع کردم به زیاد روی در چیزهایی که به انجام آن ها افتخار نمی کنم. تقریباً به فکر لغو کنسرت های آینده ام افتاده بودم. حال روز بدی داشتم. بعد یک ضرب المثل یهودی از «ایسپ راکی» شنیدم که در زمانی که خیلی به آن نیاز داشتم، برایم تعریف کرد و مطمئنم که خودش هم این را نمی دانست. «از ما برنامه ریزی، از خدا خنده» و این مرا به فکر فرو برد. ذهنیت والا دستورالعملی برای رسیدن به کمال نیست، بلکه تعهدی است برای دانستن قدر پتانسیل و استعداد خود و آن چه به دنیا می توانید ارائه کنید.

به والاترین شکل ممکن

اجازه ندهید شکست های کوچک شما باعث پرت شدن حواس تان از هدف اصلی تان شود. مآتها یک بار زندگی می کنیم. حداکثر ۱۱۰ سال! البته اگر آسوهی سلامت باشید و بیمه‌ی سلامت عالی ای داشته باشید! چطور می خواهید زمان بودن تان در زمین را به حد اکثر برسانید؟ آیا می خواهید بعد از رفتن تان نام تان تا مدت ها به یاد بماند؟ ذهنیت والا یعنی هر کاری می توانید، به والاترین شکل ممکن انجام دهید. به زندگی تان به چشم کتابی نگاه کنید. مجدداً می گویم؛ هر فصل قرار نیست بی نقص باشد. ولی می خواهید پایان داستان شما چطور باشد؟ با رنج و دلپهره؟ و کلی افسوس؟ یا می خواهید میراثی به جای بگذارید؟ من میراث را انتخاب می کنم؛ روش ذهنیت والا.

عبور از سد پرچین‌ها و دیوارها

درباره عملکرد مدیران ارشد تیم‌ها در مقابله با چالش‌ها



است که نمی‌توان آن را کنار زد، یا یک پرچین است که می‌توان از آن عبور کرد.

هرچه زودتر ترجیحات اعضا را بشناسید

یک کمپانی جهانی کارت اعتباری می‌خواهد حوزه رشد خود را مشخص کند. معمولاً در این گونه موارد اعضای تیم مدیریت ارشد بحث آزادی را به راه می‌انداختند که در آن کشورهای متعدد تحت بررسی قرار می‌گرفتند. این تاکتیک امکان بروز انواع اکثریت را به وجود می‌آورد. آنها در عوض، یک نظر خواهی به عمل آوردند و به سرعت کشورهایی را که هیچ رای‌ی نیاوردند، کنار گذاشتند و توجه خود را بر بحث روی دو محل متمرکز کردند که بیشترین توافق روی آنها وجود داشت. استفاده از ترجیحات نیز روش دیگری برای محدود کردن حوزه تصمیم‌گیری است و از بروز بیماری دیکتاتور به صورت پیش فرض جلوگیری می‌کند.

خلاصه شده در تحریریه افق اقتصاد از کتاب «درباره‌ی تیم» مجموعه مقالات «هاروارد بیزینس ریویو» ترجمه سید محمد تقی‌زاده مطلق، نشر «هنوز»

به چین کاملاً می‌تواند آن را تحقق بخشد.

طیفی از گزینه‌ها را برای دستیابی به نتایج ارائه دهید

هنگامی که تیم کمپانی صنعتی نتایج مطلوب را تبیین کرد، می‌توانست تقسیم‌بندی ساده‌نگرانه گزینه‌ها به «موافقم»، «مخالفم» و «تصمیم‌گیری به تعویق بیفتد» را به طیف متنوع‌تری از گزینه‌ها تبدیل کند: احداث یک کارخانه محصول خاص در چین، تقویت کردن کارخانه اروپای غربی، یا احداث کارخانه کالا در چین و از دور خارج کردن تدریجی کارخانه آمریکا.

پرچین‌ها و دیوارها را آزمایش کنید

هنگامی که تیم‌ها را فرا می‌خوانید تا درباره گزینه‌ها فکر کنند، آنها، به ویژه در سطح بخش، تقریباً به فوریت توجه خود را بر کارهایی که نمی‌توانند انجام دهند متمرکز می‌کنند. آنها ممکن است فکر کنند که خط مشی‌های شرکت دست و پای آنها را بسته‌اند. هنگامی که اعضای تیم از یک سد فرضی سخن به میان می‌آورند، من و همکارانم آنها را تشویق می‌کنیم که بپرسند آیا این سد یک دیوار

اعضا بر سر اینکه کدام ملاک‌ها از همه بیشتر به موضوع مربوط هستند، توافق دارند یا نه. در غیاب اهدافی که به روشنی تبیین شده باشند، شرکت‌کنندگان گزینه‌ها را بر اساس فرض‌هایی ناگفته و اغلب بسیار متفاوت برمی‌گزینند و وضعیتی را به وجود می‌آورند که برای بروز بیماری دیکتاتور به صورت پیش‌فرض کاملاً مناسب است. برای مثال، یکی از بخش‌های یک کمپانی بزرگ صنعتی با تمام شدن ظرفیت تولیدی کالایی روبرو شد که در آمریکا ساخته می‌شد و محصولی خاص که از اروپای غربی می‌آمد. از آنجایی که هزینه‌های نیروی کار و مواد خام در هر دو محل بالا بود، تیم رهبری به بررسی راه‌حلی پرداخت که به نظر انتخابی بدیهی می‌رسید: تعطیل کردن کارخانه واقع در آمریکا و احداث کارخانه‌ای در چین که در آن هزینه‌ها پایین‌تر و مواد خام نزدیک‌اند تا مشکل کمبود کالا و رشد تولید کالای خاص حل شود. اغلب اعضای تیم تصور می‌کردند که نتیجه مطلوب، دستیابی به بیشترین بازده دارایی‌های خالص است که انتقال کارخانه

تنظیم و خلاصه نویسی زهره عباسی

بخش پانزدهم

مدیریت ناممکن

هنگامی که مدیران عامل و تیم‌هایشان علت دشواری تصمیم‌گیری را در می‌یابند، می‌توانند برای به حداقل رساندن سوءعملکرد، از برخی تاکتیک‌های سرراست استفاده کنند.

به روشنی تبیین کنید که به دنبال چه نتایجی هستید

بسیار پیش می‌آید که مدیران ارشد فکر می‌کنند درباره چیز واحدی صحبت می‌کنند، اما در واقع درباره چیزهای مختلف صحبت می‌کرده‌اند. برای مثال، در بحثی درباره رشد، برخی ممکن است که به درآمد اشاره داشته باشند، برخی به سهم بازار و دیگران به درآمد خالص. بحث باید با توافق بر سر نتایجی که تیم می‌خواهد به آنها دست یابد، آغاز شود. اگر هدف رشد است، در آن صورت باید دید آیا همه

بخش ششم

شکر در میان طعم‌دهنده‌های لوکس!

خلاصه و تنظیم: زهره زارعی

دژ اروپا

زمانی که یک ارباب جشن می‌گرفت گوشت را به جای سرو در بشقاب با نان سرو می‌کرد. در آن شرایط مردم از تخته نان استفاده می‌کردند که فقط یک تکه نان بیات بود. تا سال ۴۰۰ بعد از میلاد زمانی که مهاجمان به روم حمله کردند و امپراتوری روم شروع به فروپاشی کرد؛ اروپا به طور فزاینده‌ای خشونت‌آمیز، مملو از جهالت و ملوک الطوائفی شده بود. در حالی که مسلمانان کتاب‌های یونانیان باستان را مطالعه می‌کردند اغلب اروپایی‌ها محاسباتشان را با دست انجام می‌دادند و تنها تعداد کمی از آنها سواد خواندن داشتند. به استثنای برخی تجار که دنبال کسب و کار بودند، هنوز هم آن چیزی که ما به طور قطع می‌توانیم بگوییم این است که همه آنها (فقیر و غنی) تمایل داشتند چاشنی‌ای به غذای خود اضافه کنند. تاریخچه این طعم به دوران روم باستان بازمی‌گردد. محبوبیت ادویه‌جات هیچ ارتباطی با حذف طعم بسیار بد گوشت یا ماهی



مرتبط ساختن آنها با طعم‌های فراتر و غنی بود به این ترتیب در اروپا به آرامی باز شد. از کتاب «شکر جهان را تغییر داد» روایتی از سحر، چاشنی، آزادی و علم / نوشته مارک آرونسون، مارینا بودوس، ترجمه و تنظیم شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، نشر چشمه

ادامه دارد...



افزایش خسارات ناشی از صنعتی نشدن کشاورزی در استان گلستان

۱۰۰ هزار هکتار گندم به دلیل خشکسالی از بین رفت

وی بیان کرد: متأسفانه قیمت نهاده های کشاورزی، کود، سم، ماشین آلات و... با درآمد کشاورزان همخوانی ندارد و از طرفی خشکسالی یک مشکل جدی برای کشاورزان به وجود آورده است. سال گذشته در گلستان حدود ۱۰۰ هزار هکتار گندم به دلیل خشکسالی از بین رفت و متأسفانه امسال هم پیش بینی می شود چنین اتفاقی بیفتد. امیدواریم با مشکلاتی مانند خشکسالی، سیل و سایر حوادث در استان مواجه نباشیم.

وی تصریح کرد: کشت پاییزه استان در حال انجام است و کشاورزان به حمایت های دولت نیاز دارند و بذر، سم و کود شیمیایی به موقع باید به دست کشاورز برسد که اگر به تاخیر بیفتد خسارت سنگینی به کشاورز و امنیت غذایی وارد می کند. وی خاطر نشان کرد: سالانه بیش از پنج میلیون تن محصولات کشاورزی در استان تولید می شود و استان ۲۰۰ هزار بهره بردار کشاورزی دارد که ۱۵۰ هزارتای آنها در حوزه زراعی و باغی فعالیت می کنند.

پیشرفته است و راهی مطمئن برای رونق کشاورزی استان خواهد بود. توسعه گلخانه ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند و مسئولین استانی و کشوری باید حمایت های ویژه از سرمایه گذاران انجام بدهند.

وی گفت: ایجاد گلخانه های بزرگ سرمایه زیادی می خواهد که همه کشاورزان نمی توانند وام های کلان بگیرند و در این شرایط مسئولان باید همکاری بیشتری برای توسعه گلخانه داران مقایس کوچک داشته باشند. میزان تولید در گلخانه ها ۱۰ برابر بیشتر از کشت در فضای باز است.

وی افزود: به دلیل خشکسالی در استان کشت چغندر قند برای کشاورزان توجیه اقتصادی ندارد و این محصول پاییزه هم جز گیاهان آب بر است و کشاورز را مجبور خواهد کرد که چندین نوبت آن را آبیاری کند. ولی با توجه به آب بر بودن این محصول امسال در بیش از ۴ هزار هکتار از اراضی استان چغندر قند کشت می شود و حتی این احتمال وجود دارد که این محصول بیماری های خاصی را در استان ایجاد کند.

شده است. دولت و مجلس باید کمک کنند تا کشاورزی گلستان به سمت صنعتی شدن برود و صنایع تکمیلی و تبدیلی وارد شود و باعث اشتغالزایی در استان شود.

دولت سیزدهم باید اقدامات جدی برای کشاورزی استان مانند زهکشی اراضی کم بازده، مبارزه با آفات و توجه به سیستم های آبیاری نوین را انجام بدهد که باعث رشد تولید محصولات کشاورزی استان شود.

سال قبل یک سوم محصولات پاییزه کشاورزی در گلستان به دلیل خشکسالی و کمبودهای بارندگی برداشت نشد. گرمای هوا نیز باعث افزایش جمعیت آفات مکنده در مزارع پنبه و سویا می شود که خسارت هایی به کشاورزان استان وارد می کند.

دبیر خانه کشاورز استان گلستان در گفت و گو با خبرنگار ایلنا اظهار کرد: کشاورزی از مهم ترین بخش های نظام اقتصادی کشور است و گلستان قطب کشاورزی محسوب می شود. سال گذشته به دلیل خشکسالی به کشاورزان استان خسارت های سنگینی وارد شد.

علی قلی ایمانی ادامه داد: کشت گلخانه ای روشی

در سال های اخیر بر اثر کمبود بارندگی ها خشکسالی های شدیدی در استان گلستان رخ داده و باعث از بین رفتن بسیاری از محصولات کشاورزی شده است. دولت در این شرایط باید اقدامات ویژه ای برای رفع مشکلات کشاورزان انجام دهد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از گرگان، در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد جمعیت گلستان در روستاها زندگی می کنند و اقتصاد استان هم بر پایه های کشاورزی می چرخد. در سال های اخیر خشکسالی شدیدی بر استان حاکم شده که باعث وارد شدن خسارت سنگینی به بخش کشاورزی شده است.

با شرایط خشکسالی فعلی کشاورزان استان نمی توانند هزینه های جاری خود را تأمین کنند و شاهد مهاجرت روستاییان به شهرها و افزایش حاشیه نشینی شهری در گلستان هستیم که این خودش یک بحران جدی است.

در حال حاضر بیشتر کشت محصولات کشاورزی در گلستان به صورت سنتی انجام می شود و هنوز به سمت صنعتی شدن نرفته است و به یکی از مشکلات حوزه کشاورزی استان تبدیل



یک قدم نزدیک تر به تولید چمن های مقاوم به خشکی در ایران

همین منظور اصلاح گیاهان علوفه ای چمنی که دارای کاربردهای وسیعی نظیر سازگاری با دامنه وسیعی از شرایط آب و هوا و خاک، عملکرد خوب علوفه، سهولت در استفاده از علوفه، فصل طولانی چرا، زیباسازی فضاهای شهری، تحمل خشکی، مقاومت در برابر بسیاری از بیماری ها و از جمله حشرات مضر، تولید بذر مطلوب و حفاظت از خاک بسیار ضروری است. این محقق و پژوهشگر در ادامه بیان کرد: با استفاده از روش های اصلاح نباتات در این گیاهان می توان ارقامی را تولید کرد که بسیاری از نیازهای امروز ایران را برطرف کند. یکی از گراس هایی که قابلیت زیادی برای اصلاح دارد گیاه فستوکاست که در عین حفظ عملکرد بالا در تمام سال برای چرای دام، زیباسازی فضاهای شهری و حفظ پوشش گیاهی مراتع بسیار کاربردی است. با وجود اینکه، این گیاه بومی و سازگار با شرایط آب و هوایی ایران بوده ولی تاکنون کارهای اصلاحی و ژنتیکی در این گیاه صورت نگرفته است. وی تصریح کرد: همچنین به دلیل آنکه بذور چمن برای زیباسازی فضاهای شهری از خارج از کشور تهیه می شود؛ می توان با اصلاح این گیاه هزینه های سرسام آور برای تهیه آن در داخل کشور را کاهش داده و حتی اقدام به صادرات آن به کشورهای مشابه با آب

«مطالعه ژنتیکی ویژگی های مرتبط با دیرزیستی، برگشت پذیری پس از خشکی و خواب تابستانه در فسکیوی بلند» عنوان طرحی است که محمد هادی طالب صغادی در قالب رساله دکتری به ثبت رسانده است. به گزارش خبرنگاری مهر به نقل از بنیاد ملی علم ایران (INSF)، مشکلات پوشش گیاهی و محیط زیست همواره از دغدغه های محققان بوده است و طرح های مختلفی در این زمینه به بنیاد ملی علم ایران نیز ارسال شده است. بر همین اساس، بنیاد ملی علم ایران هم از طرح های دارای اولویت در این زمینه، حمایت کرده است. «مطالعه ژنتیکی ویژگی های مرتبط با دیرزیستی، برگشت پذیری پس از خشکی و خواب تابستانه در فسکیوی بلند» یکی از همین طرح هاست که محمد هادی طالب صغادی در قالب رساله دکتری و با راهنمایی محمد مهدی مجیدی در بنیاد ملی علم ایران به ثبت رسانده و از حمایت های این نهاد در انجام طرح استفاده کرده است. طالب صغادی که مدرک دکتری تخصصی خود را در رشته زراعت و اصلاح نباتات - اصلاح نباتات - ژنتیک بیومتری دانشگاه صنعتی اصفهان دریافت کرده است، درباره علت انجام این طرح گفت: ایران به دلیل تغییرات اقلیم و روند گرم شدن کلی زمین، نسبت به سال های گذشته، بیشتر دچار خشکسالی های پیاپی می شود و پوشش های گیاهی قدیمی به دلیل گرم شدن آب و هوا و کمبود منابع آبی دیگر توانایی پاسخ گویی به نیازهای مختلف را ندارند. بنابراین نیاز به اصلاح ارقام جدیدی است که در عین گرم شدن هوا و خشکسالی های پیش رو بتوانند عملکرد خود را حفظ کرده و دارای کارایی بالاتری نسبت به ارقام قبلی باشند. وی ادامه داد: امروزه استفاده از گیاهانی که در عین مقاومت به انواع تنش ها دارای کاربردهای گوناگونی باشند در دنیا بسیار رواج یافته است. به

دست دشمن معرفی می کنیم، آنگاه حذف سیاسی و فیزیکی رقیب مشروعیت پیدا می کند. وقتی دختر همسایه را داف خطاب می کنیم، راننده کناری را یابو، مشتری را گاو، دانش آموز را خنگ و فرد قانون مدار را اُسکُل، همه این ها خشونت های زبانی یعنی آمادگی برای خشونت رفتاری در آینده؛ از تعرض جنسی بگیریید تا صدمه فیزیکی.

■ چه باید کرد؟

اولین کار این است که مهارت گفتگو را بیاموزیم. فقدان مهارت های گفت وگو باعث می شود افراد نتوانند آن چه که مدنظر دارند را به زبان روشن بیان کنند و ایده و احساس خود را در یک کلام خشن و تند تخلیه می کنند. تمرین گفتگو تمرین تخلیه ذهن و قلب به شیوه ای غیر خشونت آمیز است. آنانکه مسیر گفتگو را مسدود می کنند (چه برای خودشان چه برای دیگران) مسیر خشونت را هموار می کنند. دومین کار این است که به خودمان بارها و بارها یادآوری کنیم کشتن آدم ها فقط به فروکردن چاقو در سینه آنان نیست. دختر یا پسر، زن یا مردی که شخصیت اش تخریب شده، شرافت اش لکه دار شده، عزت نفس اش لگدمال شده دیگر زندگی نرمال نخواهد داشت. به خودم یادآوری کنم که جریان رقیب من، طرفداران تیم مقابل، صاحبان دین و مذهب و اندیشه متفاوت از من، نه بی شعور هستند نه فاسد نه احمق نه هوس باز نه فریب خورده نه ... آن ها فقط انسان هستند درست و دقیقاً مانند من! آنگاه یاد خواهیم گرفت کلمه گاو را فقط و فقط برای خود گاو بکار بگیریم نه کمتر و نه بیشتر.



■ تحلیل و تجویز کاربردی:

خشونت آنگونه که ما فکر می کنیم فقط محدود به خشونت فیزیکی و بدنی نیست. عموماً ما درگیری های فیزیکی یا تعرض جنسی را خشونت می دانیم. ولی واقعیت آنست که دامنه خشونت حوزه های گسترده تری دارد از جمله خشونت زبانی. وقتی توهین می کنیم، قومی را مسخره می کنیم. صاحبان یک عقیده را تحقیر می کنیم. وقتی تهمت یا برچسب می زنیم یا تهدید می کنیم همه این ها خشونت است؛ منتها خشونت زبانی. بدون خون و خونریزی است. خشونت زبانی از درون می گشود. تا حالا هیچ کس را دیده اید که به دلیل اینکه مسخره شده و یا فحش خورده باشد به اورژانس مراجعه کند؟

مجتبی لشکر بلوکی | دکترای استراتژی

در یک مدرسه راهنمایی دخترانه کار می کردم و چند سالی بود که مدیر شده بودم. چند دقیقه مانده به زنگ تفریح، مردی با ظاهری آراسته وارد دفتر مدرسه شد و گفت: با خانم... دبیر کلاس دوم کار دارم و میخواهم درباره درس و انضباط فرزندم از او سؤال کنم. از او خواستم خودش را معرفی کند. گفت: من گاو هستم! خانم دبیر بنده را می شناسند. بفرمایید گاو آمده. ایشان متوجه می شوند چه کسی آمده. تعجب کردم و موضوع را به خانم دبیر گفتم. بیکه خورد و گفت: ممکن است این آقا اختلال رفتار داشته باشد. یعنی چه گاو؟ من که چیزی نمیفهمم! از او خواستم پیش پدر این دانش آموز برود. با اکراه پذیرفت. مرد آراسته، با احترام به خانم دبیر ما سلام داد و خودش را معرفی کرد: من گاو هستم! معلم پاسخ داد خواهش میکنم، ولی... مرد ادامه داد شما بنده را به خوبی می شناسید. من گاو هستم، پدر گوساله؛ همان دختر ۱۳ ساله ای که شما دیروز در کلاس، او را به همین نام صدا زدید... دبیر ما به لکنت افتاد و گفت: آخه، میدونید... بله، ممکن است واقعاً فرزندم مشکلی داشته باشد و من هم در این مورد به شما حق میدهم. ولی بهتر بود مشکل انضباطی او را با من نیز در میان میگذاشتید. قطعاً من هم میتوانستم اندکی به شما کمک کنم. خانم دبیر و پدر دانش آموز مدتی با هم گفتگو کردند. آن آقا، در خاتمه کارتی را به خانم دبیر داد و رفت. وقتی او رفت، کارت را با هم خواندیم روی آن نوشته شده بود: دکتر فلانی عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه... (نویسنده: ناشناس)



تبلیغ متفاوت خمیر دندان کالگیت در جعبه پیتزا!

علیرضا نصرتی

برند کالگیت برای معرفی محصول جدید خود به نام «Colgate Max Night» که مخصوص استفاده شبانه است، به پیتزافروشی ها محلی، این جعبه ها را داد تا برای تحویل پیتزاهای شبانه استفاده کنند، با شعاری که می گفت: اجازه ندهید بوی غذای شب، تا صبح در دهانتان بماند!

با دستور وزیر نفت؛

تسهیل و تسریع در صادرات گاز LPG پالایشگاه های کشور



افق اقتصاد اصفهان - از سوی مهندس جواد اوجی، وزیر نفت اجازه صادرات گاز LPG پالایشگاه های کشور صادر شد.

امسال با توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب با عنوان «مهار تورم و رشد تولید» نامگذاری شده است، از این رو همه دستگاه های اجرایی و به ویژه فعالان حوزه صنعت و اقتصاد موظف به تحقق شعار سال هستند.

در این بین شرکت های زیرمجموعه وزارت نفت نیز تحقق فرمایشات رهبر معظم انقلاب در راستای شعار سال و همچنین فرمایشات ایشان مبنی بر تبدیل پالایشگاه ها به پتروپالایشگاه ها، تکمیل زنجیره ارزش و جلوگیری از خام فروشی را در دستور کار قرار داده و برای این امر پروژه هایی را در دستور کار قرار داده اند.

از آنجایی که بهره برداری از این پروژه ها در زمانی که تحریم های ظالمانه دشمن اعمال شده و شرایط سختی را ایجاد کرده، نیاز به تامین هزینه های چندین برابری دارد که جز با همکاری و همدلی همه مسئولان در بخش های مختلف امکان تامین آن وجود ندارد، از این رو به دنبال درخواست اعلام شده از سوی پالایشگاه های کشور مبنی بر صادرات گاز LPG مهندس اوجی وزیر محترم نفت و مهندس جلیل سالاری

با درایت وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی صرف اجرای پروژه های زیست محیطی و در نتیجه اشتغال زایی، جلوگیری از فرار نخبگان خواهد شد که در نهایت اضافه شدن درآمد کشور برای بهبود شرایط زندگی شهروندان را به دنبال خواهد داشت.

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی با این درخواست موافقت و در حال حاضر صادرات این محصول از پالایشگاه ها به کشورهای هدف آغاز شد.

همچنین یادآور می شویم که هزینه های حاصل از صادرات گاز LPG